

## دو گانه گرائی

# آنگونه که زرتشت به جهان نموده

دکتر بُرزو نجمی

کی توانی درید پرده وهم ؟      زان وجودیکه شد خیال انگیز  
پرده عنکبوت چون بدری      می تند پرده دگر بر خویش

پرسش و پرسیدن ، تردید و شک مستلزم اندیشیدن است . اندیشه پایه درک کردن و شناختن است و درک و شناخت اساس بهتر زیستن. موهبت های دانش و حقیقت آخرین پدیده هائی هستند که ما را بخود میآورند و دسترسی بآنها جز با کوشش امکان پذیر نخواهد بود. هنگامیکه حقیقت ها که غایت نیکی و راستی هستند کشف شوند، برای انسان نیروگاه خرد و درایت به شمار میروند و انسان با خرد همیشه در زندگی خصوصی و اجتماعی خود از آنها توان و نیرو خواهد گرفت . زمانیکه بشر در تاریکی های نادانی فرا گرد زندگی پدر و مادر آموزش می گیرد و آنرا با تار و پود احساس و هیجان در مغز و ایمان خود میکارد. از آن پس رهائی از بند آن برایش کار آسانی نخواهد بود. این افراد تا پایان عمر اسیر آن عقیده خرافی باقی مانده وهمیشه در نظر آنها خود نمائی می کند.

تاریخ با موجودات متفکر و آگاه و تحولاتیکه از تأثیر این موجود ذیشعور و موثر بوجود میآید سروکار دارد. لازمه اندیشیدن و شعور انتخاب آزاد در عمل

### ایران زمین

است . هرگز نمیتوان چنین تأثیری را در قالب های خشک و تغییر ناپذیر چون فرمولهای ریاضی توجیه کرد. من فقط باین نکته مختصر اشاره ای نموده و نتیجه می گیرم که در نگارش و مطالعه تاریخ ، انسانها باید از برداشت سطحی و مغرضانه خود داری نموده و پیوسته این واقعیت را از نظر دور نسازد که با بشر خلاق و متفکر روبروست که خود خالق تاریخ است . بنابر این، بررسی درست زمانی تحقق می یابد که به انسان اصالت داده خلاقیت او را از نظر دور نداریم . افرادی که بخواهند با قوانین مکانیکی تحول فرهنگ و جامعه را توجیه نمایند، در علم فرهنگ و تاریخ جایی ندارند. آنهایی که چنین اشتباهی کنند زود خط ایشان برملا میگردد. دین به صورت یک عقیده تعیین کننده، چون به عالم مافوق مربوط میشود، پیوسته از تأثیر خاصی برخوردار بوده است . همانگونه که پیام دین راستین حیات بخش میباشد، طاعون مذهب منحرف نیز فلاکت و مرگ و نیستی به بار آورده است. شوربختانه دوران تظاهر ادیان مردمی و راستین بسیار کوتاه و عمر مذاهب منحرف بدرزای تمام تاریخ تمدن بشر بوده است. ارتباط دین به عالم بالا بهانه ای به دست افراد شیاد و فریبکار میدهد که مقاصد خود را در زیر سرپوش دین به عنوان حقایق تغییر ناپذیر الهی به مردم تحمیل کند و بدبختانه اغلب مومنین صادق نیز از شدت تعصب به تحجر دچار گشته و عملاً راه منحرف را دنبال می کنند که این هر دو بلای جامعه اند. بطور یقین انسان در جهت سیر تکاملی در حرکت است و فکر و اندیشه و شعور او جهت کمال را می پیمایند. حرکت به سوی خداوند یا کمال مطلق بنیان دین راستین است.

دیانت زرتشت ، دیانتی است مطلقاً خرد گرا و توحیدی ناب که بری از

### ایران زمین

موهومات و خرافات است. افراد حقیقت جو باید مانتره های زرتشت که از زبان آن انسان والای بی همتا سروده شده و بآن گات ها میگویند را مأخذ پژوهش ها و نوشته های خود قرار دهند و سیمای راستین او را در آن سروده ها دریابند.

**گات ها چیست؟** گات ها یا گاهان یا سروده های مقدس که از تراوشات مغزی و سروده زرتشت است مقدس ترین و مطمئن ترین نوشته ای است که از او بیادگار مانده ( درود بروان پاک مویدان که قرنها و نسل اندر نسل آنرا سینه به سینه منتقل و بعداً آنرا بنگارش در آورده، در وسط یسنا قرار داده اند و به نسل جدید ما دست نخورده رسانده اند) \_ گات ها جمعاً ۱۷ فصل یا بخش دارد که شامل ۲۴ هات میباشد که در آن جمعاً متجاوز از ۴۰۰ مرتبه از اهورا و مزدا نام برده شده است. (مزدا ۱۸۰ مرتبه، اهورا ۶۹ مرتبه مزدا اهورا بیش از ۵۰ بار و اهورا مزدا فقط ۸ مرتبه). تمام این نام های خداوندی به معنای خداوند یکتا و دادار دانای هستی پرور است. "اهورای مزدای" زرتشت در گات ها نه چون خدایان ابراهیمی طالب قربانی و رشوه و عجز و لایه پیروان است، نه خواهان ارائه بزرگی و قدرت و اعمال زور و خشونت. در حالیکه در فرهنگ های ابتدائی و حتی هزاران سال پس از زرتشت و در عصر حاضر نیز خدایان مظهر قهر و غضب و قدرت اند و طالب نیاز و قربانی و بندگان باید در درگاه آنها به التماس و گریه بپردازند و با ورد و دعا و انجام مراسم و آداب و تشریفات و فدیہ نظر آنها را بخود جلب نمایند. این خدایان زورکی و بازاری برای کمک به تکامل بشر یابسط خوبی و عدالت و رفع زشتی و شر کاری نمی کنند، بلکه برای اعمال قدرت و از روی میل و شهوت نه کمال و فضیلت به اجابت تقاضای بندگان میپردازند و گاهی نیز با

### ایران زمین

خشم نابود و ویران میسازند. حتی امروزه در برخی از ادیان بزرگ جهانی آثاری از این برداشت ها مشاهده میشود.

اهورای مزدای زرتشت خداوند تمام آفریدگان است، نه بقوم بخصوصی تعلق دارد و نه بزبان ویژه ای صحبت می کند. خدای زرتشت دارای شکل و شمایل نیست و زبانش زبان حقیقت و طبیعت است.

"مزدا" نور الانوار است که آفرینش و قانون طبیعت (آشا) از اوست و سرچشمه همه نیکی ها است. خداوند گاتها نه احتیاج به واسطه و دلال دارد، نه خواهان رشوه است . مزدا \_ یکتا و به یکتائی خالق و مهین دادار هستی است که رضایت اش فقط و فقط در سایه اعمال نیک میسر میگردد و مزدا پرستان برای تجسم روحانی اش میتوانند به مفاهیم تنهائی "آشا"، "وهومنه"، و "حَشْتَرَه" و ... با فروزه کمالیه خداوندی، نه همکاران اهورا مزداً متوسل شوند و با متصّف شدن باین صفات باو دست یافته اهورائی گردند ( اصل عرفان منشأ گاتهای دارد).

دوگونه گرائی: برای تجزیه و تحلیل دوگانه گرائی (خوب و بد و منشاء آنها) باید آنها را از دریچه های مختلف مورد موشکافی قرار داد، A نظریه زرتشت و گاتها، B مذاهب توحیدی .

A\_ در گاتها از دو واژه ساده یا مرکب برای تشریح کارهای اهریمنی یا اندیشه و یا منش بد استفاده شده است. ۱\_ از واژه ساده انگره دو مرتبه در گاتها استفاده شده است که یک بار بمعنی خشم یا بدی و دومین بار بمعنی کار بد

### ایران زمین

استفاده شده است و فقط یک مرتبه از واژه مرکب یا بهم چسبیده انگره مینیو (یعنی اندیشه کژ یا منش بد) استفاده شده است. (واژه انگلیسی **Angry** همانا انگره اوستائی است که با تغییراتی بآن صورت در آورده شده است). ۲ - آکه **Aka** که بطور ساده و یا مرکب بصورت **Aka Manah** استفاده شده که بمعنی روح دروغین و کژ یا روان گمراه (**EVIL INSIGHT**) یا (**BAD ILLUMINATION OF THE SOUL**) می باشد و چندین بار استعمال شده است.

ضمناً از دو واژه ساده یا مرکب برای تشریح صفات پسندیده و منش خوب و افزایشی یا تکاملی استفاده شده است - ۱- سپنتا (منش خوب - افزایشی - تکاملی) است که بیشتر از ۲۰ بار درگات ها بکار برده شده و ۲- واژه های وهیشتا (یسنا ۶-۳۱) یا وهیو (۳ - ۴۳) است که همگی از ریشه وهیو **VAHYU** که همان منش پاک و خدائی است و درگات ها بسیار بر آن تکیه شده استفاده شده است. اشو زرتشت این صفات پسندیده و سپنتائی و وهیشتائی را آفریده اهورامزدا دانسته و بارها آنرا خاطر نشان ساخته است، در صورتیکه انگره و انگره مینیو و آکه منا یا آکه مینیو را زائیده فکر و تراوشات مغزی بشر دانسته است.

این ۴ صفات (۲ تا بدی و ۲ تا خوبی) بطور صفت استعمال شده نه اسم عام و خاص (در این باره بیشتر و به تفصیل گفتگو خواهد شد).

واقعاً تأثر انگیز است که پژوهشگران و تاریخ نویسان بویژه تازیان و مسیحی ها بدون مراجعه به گات ها و اتکاء به نوشته ها و تفسیرهای من در آوردی خودشان و ترجمه های نادرست، چگونه توانسته اند از این واژه های صفتی - شیطان را اختراع و در جنگ با "اهورا مزدا" وادارند - تعجب آورتر و حزن

### ایران زمین

انگیزتر اینکه چگونه پژوهشگرانی که خود را اهل نظر و دانشمند میدانند و عقایدشان در محافل علمی مورد توجه و اعتبار است، بدون امانت داری در معنای کلمات گاتھائی و با سهل انگاری تمام به نتیجه گیریهای متوسل شده اند که فقط در خور داستانسرایان ناآگاه است.

برابر با فلسفه و تعلیمات زرتشت و یکی از پایه های مهم جهان بینی او، باور داشتن بوجود دو گوهر همزاد، در اندیشه آزاد انسان است که پایه و اساس آفرینش اند - این دو پدیده بنیادی از نظر ساختار و نیز عمل کرد در تضاد با یکدیگرند. اما در آغاز به مردم هشدار میدهد که برای فهم و درک درست این نوع مطالب باید خواهان فهمیدن بوده و هم دانا. به بیان ساده تر کسانی میتوانند معنی این گونه موضوع های فکری و ذهنی را بدرستی دریابند که پیش از هرچیز خواستار دانستن باشند و نیز از آگاهی نسبی و پایه ای یا توانائی درک مطلب در حدّ نیاز برخوردار باشند. نکته دیگری که توجه بآن راه گشا خواهد بود این است که این دو گوهر بنیادی هستی، آفریده "مزدا" هستند یعنی "مزدا" (خداوند خرد) آنها را با هم بوجود آورده و کارآئی داده است. یا واضح تر گفته شود آفریدگار یکتا این دو گوهر همزاد و متضاد را با خرد - برتر خود آفریده است و آنگاه جهان بر پایه این دو گوهر بنیادی شکل گرفته و پویائی یافته است. این دو گوهر همزاد ولی متضاد، در کوچکترین بخش هر ماده در دانش فیزیک هسته ای امروزی پروتون و الکترون و . . . غیره نام گرفته اند و نیروهای چهارگانه ناشی از آنها که بگونه مخالف بر هم اثر می کنند نیروی کشش و رایش (جذب و دفع)، مثبت و منفی، نیروهای ضعیف و نیروهای قوی هسته ای نامیده شده اند.

### ایران زمین

از دیدگاه زرتشت این دو گروه همزاد\_ همراه و متضاد نه تنها در همه ذره های بنیادی جهان مادی ( که کوچکترین این ذرات به QUARK کاهش پذیر موجودند) بلکه در همه پدیده های هستی اعم از کوچک یا بزرگ، مادی یا غیر مادی در پیوند با یکدیگر و نه مستقل از هم عمل می کنند و نیروهای مخالف برخاسته از آنها نیز در سراسر جهان آفرینش جاری و ساری اند، وجود پویای این دو گوهر و این دو نیرو است که همه چیز را در جهان هستی به هر شکل و هر کیفیت به بودن و حرکت وامیدارد . نکته ای در اینجا اشاره بآن ضروری بنظر میرسد، این است که برخی از پژوهندگان این دو «گوهر هستی» را نیکی و بدی یا خیر و شریا . . . دانسته اند، این برداشت با تفسیر گاتها مغایر و نادرست بنظر میآید. زیرا این دو گوهر هستی بزبان گات ها "مزداتا" یعنی آفریده "مزدا" هستند. برخی از دانشمندان واژه مزداتا را ترکیبی از مز به معنی بزرگ و "داتا" بمعنی "آفریده بزرگ" یا پدیده بزرگ معنی کرده اند که در اصل مفهوم این واژه تفاوتی ایجاد نمی کند. بنابر این ، این دو گوهر هستی، پدیده یا آفریده خداوند هستند. در بینش زرتشت، آفرینش از اندیشه رسا و خرد برتر "اهورامزدا" و بر پایه راستی مطلق خداوندی انجام گرفته است، بنابر این کژی و کاستی در آن راه ندارد. در نتیجه در بین آفریده های "مزدا" بدی شرّ و تباهی موجود نیست. خدائی که زرتشت شناخته و شناسانده است سراسر راستی و پاکی، نیک اندیشی، خردمندی، دانائی، رسائی، مهربانی، دادگری، توانائی، سازندگی و نیکی است.

بنابر این دو گوهر بنیادی هستی که آفریده "مزدا" هستند، نیکی و بدی یا خیر و شر نیستند، بلکه همانطور که شرح داده شد، منظور از آنها همان دو گوهر متضادی است که اساس و بنیان آفرینش است و همه چیز بر پایه آن

## ایران زمین

پایایی و پویایی یافته است.

یکی از ویژگی های برجسته پیام زرتشت این است که در آنها به موضوع های ماوراء الطبیعه چندان نمی پردازد و اگر هم بنا به ضرورت اشاره به برخی از آنها داشته باشد خیلی زود میگذرد و پیش از آنکه اندیشه مردم را پریشان ساخته و آنرا بخیال پردازی و وهم گرائی دچار سازد، راه را بدنای واقعیت می گشاید. پیام زرتشت برای پرورش اندیشه و خرد انسان است. تلاش زرتشت بر این است تا با پیام اندیشه برانگیز خود مردم را در اندیشه، گفتار و کردار به رسائی رساند و بدینوسیله دنیائی بوجود آورده که در آن زندگی کنند و جهان را از نیاز و آرز و رشک و کین بیالایند. پس پیام زرتشت پیام بهسازی رفتار انسان ها در این جهان است و به دنیای نادیدنی و نامحسوس و روابط فرا طبیعی چندان کاری ندارد. از این رو زرتشت با اشاره ای گذرا به بیان هستی، گفتگو را به تجلی این دو گوهر متضاد در اندیشه انسان به نیکی یا بدی را بروشنی شرح میدهد و با این ترتیب انسان را تشویق می کند تا آگاهانه و آزادانه راه نیک را برگزیند و با بدی بمبارزه برخیزد.

زرتشت با مطرح کردن وجود دو گوهر متضاد جهان هستی، بلافاصله به بیان رابطه بین دو گوهر بنیادی از یک طرف و عمل کرد آن در اندیشه انسان از طرف دیگر میپردازد و بدین گونه با تشریح آثار و نتایج آن در زندگی بشر، موضوع را از حوزه تخیل و فکر به میدان واقعیت و عمل هدایت می کند. وجود بدی در جهان همواره نظر فیلسوفان و دانشمندان بزرگ را بخود جلب کرده است و هرکدام کوشیده اند تا بر پایه بینش ویژه خود آن را بگونه ای توجیه کنند. از یک طرف در بینش پیام آوران راستین، سرشت خداوند سرشار از ویژگی نیک است و بدی و ناراستی در آن جای ندارد. بنابراین دیدگاه ، کژی



### ایران زمین

و کاستی، دروغ و بدی از ذات پروردگار بروز نمی کند و یا ساده تر، در آفرینش خدای یگانه پدیده ای با ارزش "بد" وجود ندارد. از طرف دیگر در جوامع بشری "بدی" واقعیت دارد. بدیها را میشود دید، میتوان شنید و میتوان احساس کرد. دروغ، دورویی، فریب، زورگوئی، چپاول و کشتار و ... اینها همه هستند و "بد" هستند پس این بدیها از کجا آمده اند؟ آفریننده جهان که "یگانه" است و جز او آفریدگاری نیست. آفریدگار یگانه هم که جز نیکی چیزی را نیافریده است و بدیها در آفرینش او نیستند. اما "بدیها" وجود دارند و چون آشکارند نمیتوان وجودشان را انکار کرد یا در بودنشان حتی تردیدی به خود راه داد. زرتشت اشو، علت وجود بدیها در جوامع انسانی را اینطور دریافته است: این دو گوهر همزاد و متضاد چون در اندیشه انسان پدیدار شوند، نیکی و بدی بوجود میآورند، آنگاه دانا نیکی را بر می گزیند و نادان بدی را (گات ها - یسنا ۳۰ بند۳). بر این باور، بدیها را نه خداوند بلکه انسان می آفریند، نیکی و بدی زائیده اندیشه انسان است. در بینش زرتشت، انسان بر پایه قانون آشا (هنجار هستی یا نظام خلقت) دارای اختیار و آزادی برای انتخاب است و باز - براساس این قانون و نظام که همان اراده و خواست خداوند است، انسان آزاد آفریده شده است آزاد در اینکه چگونه بیندیشد و چگونه انتخاب کند.

این آزادی اندیشیدن و آزادی گزینش، او را طبعاً در برابر چگونگی اندیشه و نوع انتخابش مسئول میگرداند، به این معنی که بر پایه قانون عکس العمل که زرتشت آریائی فراوان بر آن تکیه کرده است، بازتاب رفتار انسان همانگونه که هست، به خودش باز میگردد، واضح تر اینکه نیکی یا بدی واکنش طبیعی خود را بوجود میآورد. قانون عکس العمل و بازگشت موج گونه کُنش انسان به

### ایران زمین

خود انسان، موضوع جالب بهشت و دوزخ را در جهان نگری زرتشت پدید میآورد که مذاهب توحیدی از او اقتباس کرده اند.

زرتشت، آزاد بودن انسان را در چگونه اندیشیدن و چگونه گزیدن این چنین بیان کرده است :

ای خداوند جان و خرد ، دریافتم که اندیشه رسا از توست ، خرد جهان آفرین از توست، این نیز از تو است که انسان را راه نمود و آزاد گذاشت که اگر بخواهد به راستی گراید یا دروغ را برگزیند (گاتها، یسنا ۳۱ بند ۹) .

پس در بینش زرتشت اراده خداوند یا نظام آفرینش بر این قرار گرفته است که انسان با توانائی اندیشیدن آفریده شود و نیز آزاد باشد که بهرگونه بیندیشد و بهرگونه برگزیند. در این صورت ، انسان آزاد است که نیک بیندیشد یا بد. یا بهتر گفته شود بنا بقانون تغییر ناپذیر آشا دو گوهر همزاد و متضاد موجود در هستی طبیعتاً در اندیشه انسان نیز کار سازند، و این تضاد که بنیاد آفرینش است تنها در این جا یعنی در اندیشه آزاد انسان می تواند ارزش بیافریند و نیکی یا بدی را بوجود آورده .در جهان بیکران هستی ، هرکجا که پدیده اندیشمندی چون انسان وجود نداشته باشد ارزشی با مفهوم بد یا نیک نیز وجود ندارد. در همین کره زمین اگر انسان وجود نداشت یا اینکه از بهره هوش پائینی در سطح جانوران دیگر برخوردار بود و نمیتوانست این چنین بیاندیشد، بد یا خوب هم وجود نداشت . حیواناتی که توانائی اندیشیدن ندارند، به حکم غریزه رفتار می کنند و در این زندگی قهری و غریزی همه چیز بی ارزش است ، همه رفتارها آهنگی یک نواخت دارند و هیچ چیزی یا رفتاری بد نیست و چون بد وجود ندارد نیک هم بی معنی است. بهمین دلیل در دنیائی که انسان زندگی نمی کند همه چیز لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند و هیچ ارزش نیک

### ایران زمین

یا بد بودن را ندارد. نیکی و بدی را اندیشه آزاد انسان خلق می کند و پس از اندیشه در گفتار و کردار او نیز تجلی می یابد و به این ترتیب نیک و بد در جوامع انسانی حقیقت پیدا می کند.

انسانها در این مرحله که مرحله گزینش است به دوگروه بخش میشوند، گروهی که از دانش، آگاهی، خرد و بینش کافی برخوردارند نیک را بر می گزینند و آنان که بهر دلیل از دانش لازم برخوردار نیستند فریب میخورند و به بدی میگیرند و سرانجام با پیروی از بدی و تسلیم شدن به مظاهر آن زندگی خود و دیگران را به تباهی می کشند. انتخاب راه راست یا کژ، بستگی به میزان دانائی انسان دارد. دانا آگاهانه راه راست را بر می گزیند و نادان ناخود آگاه به راه نادرست کشیده میشود. وظیفه انسان مبارزه پی گیر و افزایشنده با بدی است. اما نکته قابل توجه در این پیام اهورائی زرتشت آن است که چون گرایش به بدی نتیجه قهری نادانی است، پس اولین شرط این مبارزه مقدس و سازنده این است که دانش و بینش انسانها هر دم افزایش یابد تا مایه رستگاری شان فراهم شود.

دانا باید حقیقت را برای مردم آشکار سازد تا نادان نتواند مردم نا آگاه را گمراه کند. "ای مزدا اهورا" کسانی را که ارزش راستی و نیک اندیشی را برای دیگران آشکار می کنند یاری کن (گاتها - یسنای ۳۱ بند ۱۷).

البته چون نتیجه نیک اندیشی انسان، نیک گفتاری و نیک کرداری است و حاصل بد اندیشی او بدگفتاری و بدکرداری میباشد و همه اینها نیز در جوامع انسانی واقعیت دارند، از آن بهتر این است که بگوئیم انسان بد و انسان نیک، یعنی براستی نیکی و بدی در جهان وجود ندارند بلکه این انسان نیک و انسان

### ایران زمین

بد است که در جهان پرورده میشود و موجودیت می یابد و این فلسفه زرتشت  
بهترین، مناسب ترین و عقلانی ترین تعبیر است.

به بهترین سخنان فرا گوش دهید و آن را با اندیشه روشن بسنجید، آنگاه  
هریک از شما راه خود را آزادانه برگزینید. اما پیش از آنکه زمان گزینش فرا  
رسد به درستی بیدار شوید و آیین راستی را دریابید (گاتها - یسنای ۳۰ بند  
۲) .

خاتمه بخش **A** - نگارش - پژوهش و تنظیم از دکتر برزونجمی

بخش **B** - در شماره بعدی منتشر خواهد شد .

مأخذ (پانویس)

۱- گات ها : تألیف دکتر ایرج تاراپور والا.

۲- پیک کنکاش موبدان امریکای شمالی

۳- پیام سروش که از نوشته جعفری با مختصر تغییری در آن استفاده شده است.

۴- مزدیسنا زرتشت و حکومت : سید جلال الدین آشتیانی.

۵- کشف الحیل تألیف عبدالحسین آیتی (آواره)

- دویست سال س(س) کوت ، عبدالحسین زرین کوب

\*\*\*